
ملانصرالدین در تبریز

خاطرات حمیده خانم جوانشیر
(محمد قلی زاده)

ترجم:

کاظم آذری سیسی

سر شناسه	محمد قلی زاده، حمیده، ۱۸۷۳ - ۱۹۵۵ م.
عنوان قراردادی	خاطره لریم، فارسی، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	ملانصرالدین در تبریز؛ خاطرات حمیده خانم جوانشیر (محمد قلی زاده) // مترجم کاظم آذری سیسی.
مشخصات نشر	تبریز: آناس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۶۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۱۸۸-۵۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
یادداشت	کتاب حاضر ترجمه بخشی از متن ترکی آذربایجانی با عنوان "خاطره لریم" با ترجمه مهربان وزیر که به فارسی برگردان شده است.
عنوان دیگر	خاطرات حمیده خانم جوانشیر (محمد قلی زاده).
موضوع	محمد قلی زاده، حمیده، ۱۸۷۳ - ۱۹۵۵ م.
موضوع	محمد قلی زاده، حمیده، ۱۸۷۳ - ۱۹۵۵ م. — خاطرات
موضوع	ملانصرالدین (روزنامه)
موضوع	Mullah Nasreddin (Newspaper)
موضوع	قره باغ کوهستانی (جمهوری آذربایجان)
موضوع	Nagorno-Karabakh (Azerbaijan)
موضوع	تبریز — تاریخ — قرن ۱۳
موضوع	Tabriz (Iran) -- History -- 19th century
شناسه افزوده	آذری سیسی، کاظم، ۱۳۲۷ - مترجم
شناسه افزوده	وزیر، مهربان، مترجم
رده بندی کنگره	PL۳۱۴
رده بندی دیویی	۹۰۷/۳۶۱۳
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۰۷۵۱۳



ملانصرالدین در تبریز

خاطرات حمیده خانم جوانشیر (محمد قلی زاده)

مترجم: کاظم آذری سیسی

ناشر: انتشارات آناس

چاپ اول ۱۳۹۸ • ۱۶۰ صفحه • قطع رقی • ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۸۸-۵۸-۲

تبریز - اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

در آذرماه سال ۱۳۹۴ در وب گردی‌هایم در اینترنت، آقای عباس جوادی که ساکن اروپاست از کتابی خبر داد که گویا می‌خواستند از زبان ترکی آذربایجانی به انگلیسی ترجمه کنند و ایشان به دوستانش توصیه کرده بود که اگر توانستند دست کم بخش خاطرات تبریز را به زبان فارسی ترجمه کنند. من پیش از اینکه در این باره فکری بکنم به آقای جوادی نوشتم که: اگر این کتاب را داشته باشم حاضر می‌باشم زبان فارسی ترجمه کنم. پنج دقیقه بعد PDF این کتاب در ایمیل من رسید و من در مقابل یک کار انجام شده قرار گرفتم. با سبک سنگین کردن ازنم که واقعاً در مضيقه بودم فقط توانستم آن قسمت از خاطرات حمیده خانم را که مربوط به زمان انتشار روزنامه ملانصرالدین در تبریز بود ترجمه کنم.

کتاب حاضر بخشی از خاطرات حمیده خانم جوانشیر دختر احمد بیگ جوانشیر آخرین خان قره باغ و همسر جلیل محمد قلی زاده صاحب روزنامه ملانصرالدین است. تمام دست نوشته‌های حمیده خانم در انستیتوی

نسخه‌های خطی فضولی به زبان روسی است و بنا به نوشته خانم مهربان وزیر، خاطرات حمیده خانم قسمتی از کل دست نوشته‌های حمیده خانم است. این خاطرات را حمیده خانم به درخواست میرجعفر باقراف در سال ۱۹۳۰ نوشته است.

حمیده خانم از نسل خان‌های قره باغ و خاندان او از نظر حکومت شوراهای جزء روشنفکران ضد خلق و جزء مرتجعین ضد مردمی به حساب می‌آمد. به خاطر همین بود که دست نوشته‌های حمیده خانم مدت ۷۰ سال به تیر غیب گرفتار شد و در محل توقیف بود و این مدت نوشته‌های حمیده خانم در بایگانی‌ها خاک می‌خورد کسی جرئت نداشت که این نوشته‌ها را منتشر کند.

"در سال ۱۹۲۰ میلادی (۱۳۰۰ خورشیدی) جمهوری باکو توسط بلشویک‌ها سقوط کرد و به علت ناسامانی‌ها، تضيقات و فشارها که در اثر انقلاب اکبر در آذربایجان بوجود آمده بود، جلیل محمد قلی زاده فضایی مناسب برای انتشار روزنامه ملانصرالدین نداشت و ناچار به مهاجرت تبریز تن در دادند.

مهاجرت جلیل محمد قلی زاده و حمیده خانم با خانوادش از قیام گنجه در اواخر ماه مه ۱۹۲۰ شروع شد و آن زمانی بود که هرج و مرج تمام قفقاز را فرا گرفته بود و قره باغ هم از هرج و مرج و ناامنی بی نصیب نماند. وقتی جلیل محمد قلی زاده و حمیده خانم تشخیص می‌دهند که دیگر فضای مساعدی برای انتشار روزنامه و یا فعالیت سیاسی دیگر در قره باغ

نیست تصمیم می‌گیرند به تبریز مهاجرت کنند. مهاجرت جلیل محمدقلی زاده و حمیده خانم بیشتر به تشویق میرزا علی اکبر برادر جلیل محمدقلی زاده بود، چونکه میرزا علی اکبر برادر محمدقلی زاده در زمان انقلاب مشروطیت همراه با مبارزان قفقازی مدتها هم‌رمز ستارخان در تبریز بود. میرزا علی اکبر در تدارک سفر و مهاجرت و محافظت از کاروان کوچ کنندگان در راه‌هایی از قره باغ تا تبریز نقش اساسی داشت.

مطابق حمیده خانم از شروع مهاجرت از قره باغ تا تبریز مثل یک سفرنامه است و برای خواننده از وضع و اوضاع و زندگی مردم و ایلات و عشایر و شهرها، به تیره تیره معلومات خوبی از صد سال پیش آذربایجان می‌دهد. با خواندن این خلاصات خواننده تصویر جامعی از شهر تبریز و از مردمش، آداب و رسوم عرادی، ماه عروسی‌ها و مراسم آن زمان آشنا می‌شود. در طول راه از قره باغ تا تبریز از طریق پل خدا آفرین و شهرهایی چون اهر، کلیبر و روستاهای آنها و تماس با ایلات و عشایر، چون برای حمیده خانم منعی جهت ورود به سرایده‌خانه‌های آذربایجان وجود نداشته است، ایشان اطلاعات جامعی از درون حرم سراها، خانهای آذربایجان (قره داغ) را در خاطرات خودش ضبط کرده است.

در حالی که حمیده خانم و جلیل محمدقلی زاده به تبریز مهاجرت می‌کردند آذربایجان ایران هم از نظر هرج و مرج دست کمی از خان نشین‌های آن سوی رود ارس نداشت. پس از انقلاب مشروطیت، آذربایجان در آتش ناامنی می‌سوخت، از قره باغ تا تبریز راه‌ها ناامن بود هر شهر و هر

روستایی در دست یک خان بود و خان‌ها با هم دیگر برای تصاحب قلمرو یکدیگر در جنگ و جدال بودند و از این نظر حمیده خانم و همراهانش با نا امنی‌هایی روبرو شدند. توصیفی که حمیده خانم از تبریز صد سال پیش دارد، تصویر یک شهر عقب مانده و غرق در خرافات است. چند روز پس از ورود حمیده خانم و همراهان به تبریز، خیابانی شهید و دیکتاتوری کامل دوباره در آذربایجان حاکم می‌شود. مخبرالسلطنه والی آذربایجان می‌شود و یکی از روشنفکران تبریز که تحصیل کرده فرانسه است و با مخبرالسلطنه هم دوستی دارد، به هر نحوی که شده مجوز روزنامه ملانصرالدین را از والی می‌گیرد و برای تبریز یک انتشار دیگری افزوده می‌شود. تا اوایل قرن بیستم هیچ روزنامه و مجله طنز و تهازل قابل ذکری نه در منطقه قفقاز و نه در ایران و ترکیه هم منتشر نشده بود و می‌توان گفت روزنامه ملانصرالدین هواداران سه انقلاب را انقلاب ۱۹۰۵ روس، ترکان جوان در عثمانی و انقلاب مشروطیت در ایران را همزمان پوشش می‌داد و این روزنامه در آن زمانها از کلکته تا استانبول خواننده داشت.

دو نفر از شخصیت‌هایی که به خواست آنها این خاطرات نوشته شد، و در نهایت همان شخصیت‌ها باعث شدند که این خاطرات یک هشتاد سال در محاق توقیف بماند. عبارتند از میرجعفر باقراوف صدر هیئت رئیسه شورای آذربایجان شوروی و میرزا ابراهیم اف که یکی از اعضای شورای نویسندگان باکو بود. این دو نفر در فاصله سالهای ۲۵-۱۳۲۰ شمسی در پدید آمدن فرقه ای به نام دمکرات در آذربایجان به دستور استالین نقش عمده ای

داشتند. سالهای ۲۱-۱۹۲۰ که هرج و مرج تمام قفقاز را فرا گرفته بود، حمیده خانم میرجعفر باقراوف را یکی از سردهسته قلدورها و غارتگران و لوتی‌های راهزن نام می‌برد. در فضای سهمگین آن زمان، مردم قفقاز به ویژه مردم قره باغ از دست این غارتگران و قلدورها در امان نبودند.

در آخر درباره ترجمه این کتاب باید گفته شود که:

خاطرات حمیده خانم در اصل به زبان روسی است. خانم مهربان وزیر مترجم زبان ترکی این خاطرات در پاره‌ای مواضع کلمات روسی را ترجمه نکرده و همان لغت روسی را در ترجمه آورده و دیگر این که چاپ کتاب به زبان ترکی در سال ۲۰۱۱ با الفبای فارسی در باکو منتشر شده است. از آنجایی که نوشته‌های ترکی با الفبای فارسی از یک رسم الخط استاندارد همگانی پیروی نمی‌کند و هر نویسنده با سلیقه‌های خود از رسم الخط فارسی استفاده می‌کند، از آن جهت مشکلاتی هم در این ترجمه به وجود آمده است که کمی و کاستی آن را خواننده حواصا ببخشد.